



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the Intellectual level of lyrical systems, a case study of: Psychological of Shame in Vis and Ramin

F. Eftekhari Roozbehani<sup>1</sup>, M.A Shafaei<sup>1\*</sup>, M. Khodadadi Mahabad<sup>1</sup>, M. Ansari Shahidi<sup>2</sup>

1- Department of Persian Language and Literature, Pishva Branch - Varamin, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

2- Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 20 September 2020

Reviewed: 23 October 2020

Revised: 07 November 2020

Accepted: 18 December 2020

KEYWORDS

lyrical poetry, Vis and Ramin poem, the psychological criticism of shame, Vis and Ramin characters.

\*Corresponding Author

✉ [draliaban@yahoo.com](mailto:draliaban@yahoo.com)

☎ (+98 21) 36725011

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Psychology and literature are closely related. Since the characters of a lyrical system are a kind of confrontation between human and creative emotions that have arisen from within the individual and the context of society, in this study, with a look at the scope of psychology and literature, it has been addressed that this provides the ground The study of literature in a profound scientific way has helped. One of the themes in lyrical poems, especially in Iranian culture, is the feeling of shame. The reflection and result of this element leads to various reactions from the characters of the lyrical system and the manifestation of all kinds of shame. In the present study, the dimensions of shame and its approaches have been carefully explored by dealing with Weiss and Ramin's system and benefiting from external criticism of literature and psychological attitude.

**METHODOLOGY:** Using the conceptual analysis of shame reflection and also selecting keywords, this feature was investigated and after collecting the findings, for further enlightenment using descriptive statistics, an analytical study was conducted.

**FINDINGS:** Weiss and Ramin have different types of shame and its representation is associated with various states and symptoms and also try to deal with them by various defense mechanisms, which has also been examined from this perspective.

**CONCLUSION:** Weiss and Ramin both experience the concepts of shame and shamelessness. Weiss is always a shy character, and even his rude actions are an inverse reaction to the shame that has crept into his soul. He, who at first confronts the factors that create a sense of shame, in a healthy way, after failure, rebels and rebels in an unhealthy way to confront his shame. In addition to this method, he also uses other means of defense.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5501](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5501)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 0	 0

## نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

### مقاله پژوهشی

#### تحلیل سطح فکری منظومه‌های غنایی، بررسی موردی: روانشناسی شرم در ویس و رامین

فائزه افتخاری روزبهانی<sup>۱</sup>، محمدعلی شفایی<sup>۱\*</sup>، معصومه خدادادی مهاباد<sup>۱</sup>، مجتبی انصاری شهیدی<sup>۲</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد پیشوا - ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲- گروه روانشناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

### چکیده:

**زمینه و هدف:** روانشناسی و ادبیات ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. از آنجاکه شخصیت‌های یک منظومه غنایی، به نوعی پهنه رویارویی عواطف بشری و آفرینشی است که از درون فرد و بستر اجتماع برخاسته است، در این پژوهش، با نگاهی بر گستره روانشناسی و ادبیات، به آن پرداخته شده است که این امر به فراهم آمدن زمینه مطالعه ادبیات به شیوه‌ای علمی و ژرف، یاری رسانده است. یکی از درونمایه‌های موجود در منظومه‌های غنایی، بویژه در فرهنگ ایرانی، احساس شرم است. انعکاس و برآیند این عنصر، منجر به واکنش‌های گوناگونی از سوی شخصیت‌های منظومه غنایی و تجلی انواع شرم میگردد. در پژوهش حاضر با پرداختن به منظومه ویس و رامین و با بهره‌مندی از نقد برونی ادبیات و نگرش روانشناسی، ابعاد شرم و رویکردهای آن بدقت مورد کاوش قرار گرفته است.

**روش مطالعه:** با استفاده از تحلیل مفهومی بازتاب شرم و نیز انتخاب کلیدواژه‌هایی، به بررسی این ویژگی پرداخته و پس از گردآوری یافته‌ها، جهت روشنگری بیشتر با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی، بررسی تحلیلی انجام گرفته است.

**یافته‌ها:** ویس و رامین دارای انواع شرم هستند و بازنمایی آن، با حالات و نشانه‌های گوناگونی همراه است و همچنین توسط انواع سازوکارهای دفاعی سعی در مقابله با آنها دارند که از این دیدگاه نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

**نتیجه‌گیری:** ویس و رامین، دو مفهوم شرم و بی‌شرمی را همزمان تجربه میکنند. ویس، شخصیتی همواره شرمگین دارد و حتی عملکردهای بی‌شرمانه او نیز واکنشی وارونه به شرمی است که در ژرفای جان او رخنه کرده است. او که در ابتدا با عوامل ایجادکننده حس شرم، بشکل سالم مقابله میکند، پس از ناکامی، به شیوه‌ای ناسالم جهت مقابله با شرم خود، اقدام به سرکشی و طغیان میکند. در کنار این شیوه به وسیله‌های دفاعی دیگری نیز دست می‌یازد.

تاریخ دریافت: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۰۲ آبان ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۷ آبان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۸ آذر ۱۳۹۹

### کلمات کلیدی:

شعر غنایی، منظومه ویس و رامین، نقد روانشناسی شرم، شخصیت، ویس و رامین.

\* نویسنده مسئول:

✉ draliaban@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۲۱) ۳۶۲۵۰۱۱

## مقدمه

بی‌تردید احساسات و عواطف نقش بسزایی در حیات روزانه ایفا مینمایند. به گفتهٔ جان الستر، «ما انتخابگر احساسات نیستیم؛ بلکه در قفس احساسات اسیریم». منظور الستر این است که «احساسات مهمترین عامل پیونددهنده یا چسبنده‌ای است که آدمیان را به همدیگر متصل میسازد». برخی احساسات بسبب نقض اصول و قواعد اخلاقی رفتار بروز میکند. این نوع احساسات را احساسات اخلاقی مینامند. احساسات اخلاقی نقش شایانی در هدایت و راهنمایی انتخاب احساسات رفتاری و اخلاقی مرتبط با رفتارهای اخلاقی ایفا مینماید. شرم و گناه بعنوان دو مورد از مهمترین احساسات اخلاقی عنوان شده است. احساسات اخلاقی مانند خجلت، شرم، غرور و گناه بعنوان «فشارسنج اخلاقی عاطفی» عمل میکنند و بازخورد پذیرش عاطفی و اخلاقی را به ما منتقل مینمایند. به این طریق، احساسات اخلاقی متضمن «حمله» به خودانگارهٔ شخص بوده و نقطهٔ شروع تنظیم یا تعدیل عاطفی و رفتاری واپسین است. احساسات اخلاقی - یا «خودآگاه»- بالذات اجتماعیند و ریشه در روابط اجتماعی دارند که در چارچوب آن نه تنها افراد تعامل میکنند، بلکه خویشتن و یکدیگر را ارزیابی و داوری میکنند (دونوهیو و تولای، ۲۰۱۹).

در این پژوهش سعی بر آن است از هنر عواطف بشری و رویارویی با انواع شرم سخن گفته شود تا خواننده از مفهوم شرم به افقی روشن دست یابد. مفهومی که بدلیل داشتن ماهیتی گسترده و چندگانه، روانشناسان نیز با درنگ از آن سخن گفته‌اند. چه بسا با بررسی این موضوع، میتوان پاره‌ای از افق اندیشهٔ حاکم بر فضای داستانی اصیل از جامعهٔ عصر اشکانی (خاستگاه داستان) را درک نمود. ضمن اینکه به آگاهی و شناخت قابل استناد و پذیرفتنی درخصوص چگونگی مفهوم شرم در شخصیت ویس و رامین دست یافت. در این پژوهش برآنیم تا ضمن تبیین مفهوم شرم، سرچشمه‌هایی که ایجادکنندهٔ حس شرم در شخصیت ویس و رامین هستند، مورد بررسی قرار گیرند. همچنین ترسیم آن در قالب مفاهیم گوناگون دسته‌بندی شده است و به این ترتیب شخصیت‌های موردنظر از این دیدگاه کاویده میشوند. قلمرو پژوهش شامل حوزهٔ شعر غنایی بر پایهٔ شخصیت‌های عاشق و معشوق در منظومهٔ ویس و رامین است. به این ترتیب شرم را از طریق نگره‌های روانشناسی مطالعه مینماییم. این پژوهش میپرسد:

تجلی شرم و ابعاد پیوسته به آن، در شخصیت ویس و رامین در روابط عاشقانهٔ آنها چگونه است؟  
میزان شرم ویس و رامین و پراکندگی آن به چه صورت است؟

## روش مطالعه

با پرداختن به ابعاد شرم و برون‌فکنیهای شاعرانه که دربرگیرندهٔ مفاهیم شرم در شخصیت ویس و رامین هستند و با استفاده از تحلیل موضوعی ابیات و نیز انتخاب کلیدواژه‌هایی، به بررسی عناصر فوق پرداخته شد. پس از گردآوری داده‌ها به شکل جزئی و سپس تحلیل کلی آنها (روش استقرایی)، جهت سنجش تحلیل متنها، توسط شیوه‌های آمار توصیفی، بررسی تحلیلی انجام شد (توصیفی - تحلیلی). متن موردنظر، منظومهٔ ویس و رامین، اثر فخرالدین اسعد گرگانی و نسخهٔ مورد استفاده، چاپ محمدجعفر محجوب است.

## ضرورت و سابقهٔ پژوهش

از دیگر اهداف این مطالعه، استفاده از ادبیات بعنوان "مای" تاریخی، در جهت پی‌بردن به نگرش فکری گذشتگان و مفاصل اجتماعی آن روزگار است.

شرم بعنوان یک محور محتوایی مهم در پهنه عواطف و یکی از درونمایه‌های موجود در منظومه ویس و رامین است. با وجود اهمیت موضوع یادشده، پژوهش در این راستا بسیار اندک است. لذا مطالعه دقیق در این زمینه را شایسته دیدیم تا از این رهگذر به نتایج ارزنده دست یابیم.

درونمایه شرم بعنوان یکی از ویژگی‌های منظومه عاشقانه، مورد اشاره برخی از پژوهندگان این بخش از ادبیات قرار گرفته ولیکن بررسی متمرکزی صورت نگرفته است و کتاب مستقلی نیز در این زمینه یافت نشد. یکی از مقالاتی که بطور خاص به حوزه شرم ورود یافته، پژوهشی زبانشناسی است که آزیتا افراشی و محمد مهدی مقیمی‌زاده، استعاره‌های مفهومی شرم را با استناد به شواهدی از شعر سبک عراقی، در حیطه زبانشناسی مورد مطالعه قرار داده‌اند (ر.ک: استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی، افراشی و مقیمی‌زاده: ص ۹۳). در پرداختن به پیشینه مطالعات جا دارد به کتابهای حوزه روانشناسی اشاره کنیم.

رونالد افرون در کتاب «علل و پیشگیری و درمان شرم: ص ۹۲»، اطلاعات کاربردی درباره شرم و ریشه‌های زیست‌شناسی آن در اختیار مخاطب قرار میدهد.

ایلین دریلینگ و ای. جک هافنر در کتاب «رفتاردرمانی عقلانی - هیجانی: ص ۹۳» به سه عنصر خشم و احساس گناه و شرم پرداخته‌اند.

کتاب «وقتی شرم بیمار میکند: ص ۹۱» نوشته جان براد شاو. و کتاب «روانشناسی شرم و گناه: ص ۷۳»، نوشته جین مدیلتون موز.

### بحث و بررسی

شرم ایده فوق‌العاده کهنی است. ارجاعات به نقش شرم در شکل‌دهی رفتار - پاسخ عاطفی درونی به کنشها، ایده‌ها، واژه‌ها یا افکار خجالت‌آور که هرگاه فاش شود، شخص را با کاستن از ارزش و مقام او در خانواده و اجتماع تهدید میکند - در همه سنت‌های مذهبی و فرهنگی کم‌وبیش یافت میشود. فرهنگهای آفریقایی و آسیایی از شرم مستمراً بعنوان وسیله‌ای برای حفظ و نگاه‌داشت کنترل اجتماعی بر طیف گسترده‌ای از رفتارها استفاده میکنند. مطالعه علمی شرم طی ۲۵ سال گذشته، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. در نتیجه چهارچوبهای نظری متعددی در تصریح نقش شرم و احساسات مرتبط در تعیین انگاره‌های فردی و رفتار مطرح گشته‌اند. پاره‌ای از این چهارچوبها شرم را بسان احساس خودآگاهانه‌ای مفهوم‌سازی کرده‌اند که از احساسات غلیظ بی‌ارزشی یا ناتوانی و کاستی ترکیب شده و از ارزیابیهای عام خودانگاره با توجه به فاصله بین درک از خویشتن و تصور ایده‌آل از خود سرچشمه میگیرد. محققان خاطرنشان ساخته‌اند شرم بخاطر تصورات شخص از بایسته‌های کم‌وکیف نگاه دیگران به وی، معمولاً به ازدست رفتن عزت‌نفس و میل قوی به مخفی شدن منجر میشود. بسیاری از شواهد و قراین کمی و کیفی نیز از این ابعاد شرم حمایت کرده‌اند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

فروید (۱۸۹۶-۱۹۵۳) ارتباط بالقوه شرم و گناه را بعنوان عوامل مرتبط با بیماریهای روانی مورد بررسی قرار داد. در ۱۹۰۵، فروید شرم را بعنوان نوعی مکانیسم واکنش معکوس به عریانگری جنسی در نظر گرفت. اما در نوشته‌های پایانی خود، موضوع شرم را رها کرده و بر مفهوم‌سازی شناختی احساس گناه که از تعارض بین من و فرامن برمیخاست سخن گفت. فروید ساختار شخصیت انسان را به سه پیشران نهاد، من و فرامن تقسیم میکرد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۸). فرامن احکام و عقاید قدرتمندی که عمدتاً ناهشیار هستند - که در کودکی فرامیگیریم؛ عقاید درست و غلط ما. ما این اخلاقیات درونی را وجدان مینامیم. فروید آن را فرامن نامید. این

جنبه اخلاقی شخصیت در ۵ یا ۶ سالگی آموخته میشود و در آغاز از مقررات رفتار که والدین ما تعیین کرده‌اند، تشکیل میشود. کودکان از طریق تحسین، تنبیه و سرمشق یاد میگیرند والدین آنها چه رفتارهایی را خوب یا بد میدانند. رفتارهایی که بخاطر آنها تنبیه میشوند، وجدان یا یک قسمت از فرمان را تشکیل میدهند. قسمت دوم فراخود، خودآرمانی است که از رفتارهای خوب یا درستی تشکیل میشود که کودکان بخاطر آنها تحسین شده‌اند. یک زمانی کودکان این آموزه‌ها را درونی کرده و خودشان پاداشها و تنبیهها را اجرا میکنند. در نتیجه این درونسازی، هروقت عملی برخلاف این اصول اخلاقی انجام دهیم (یا حتی فکر انجام دادن آن را بکنیم)، احساس گناه یا شرم میکنیم. فرمان بعنوان داور اصول اخلاقی، در درخواست ایگو برای کمال اخلاقی، سنگدل و حتی ظالم است. فرمان از لحاظ شدت، غیرمنطقی بودن و اصرار بر اطاعت بی‌شبهت به نهاد نیست. هدف آن مانند کاری که ایگو انجام میدهد، به تعویق انداختن درخواستهای لذت‌جویانه نهاد نیست، بلکه جلوگیری کامل از آنهاست، مخصوصاً آنهایی که به میل جنسی و پرخاشگری مربوط میشوند. فرمان فقط برای کمال اخلاقی تلاش میکند. نهاد برای ارضا فشار می‌آورد، ایگو میکوشد آن را به تعویق اندازد، و فرمان از همه بالاتر، بر اخلاقیات پافشاری میکند (کراون و فیکیت، ۲۰۱۹).

بنابراین در دیدگاه روان‌تحلیلگری فروید ارزیابی معطوف به خود (شرم) و ارزیابی معطوف به رفتار (احساس گناه) هر دو به فرمان مربوط بوده و تحت عنوان احساس گناه شناخته میشوند. از دیگر مفاهیم موجود در این تحقیق باید به اصطلاح سازوکارها و وسیله‌های دفاعی اشاره نمود. «اغلب دیده شده است که افرادی برای مقابله با اضطراب، کشاکشها و ناکامیهای خود به وسیله‌های دفاعی متوسل میشوند. این شیوه‌ها بطور خودآگاه و بمنظور ایجاد سازگاری و تسکین موقت اضطراب بکار میروند و در اصل کوششهایی هستند که شخص برای پنهان ساختن ناتوانی و درماندگی خود بکار میبرد». سرپیچی از موارد ممنوعه سوپر ایگو سبب ایجاد احساس گناه و اضطراب میشود که ریشه در اضطراب اختگی دارد. از دیدگاه فروید احساس شرم و گناه در مرحله آلتی شکل میگیرد. کودکان در خیلی از فعالیتهای میل شدیدی به ابتکار عمل نشان میدهند. ابتکار میتواند بشکل خیالپردازی هم پرورش یابد و بصورت میل به تصاحب کردن والد جنس مخالف و رقابت با والد همجنس آشکار شود. اگر آنها فرزند خود را تنبیه کنند و جلو این ابتکار عمل را بگیرند، کودک احساس گناه را پرورش خواهد داد که بر فعالیتهای خودگردان وی در طول زندگی تأثیر خواهد گذاشت. اگر والدین این موقعیت را با محبت و همدلی هدایت کنند، کودک آگاه خواهد شد که چه رفتاری مجاز است و چه رفتاری نیست. ابتکار عمل کودک میتواند بسمت هدفهای واقع‌بینانه‌ای هدایت شود که جامعه آنها را تأیید میکند و او را برای پرورش دادن احساس مسئولیت و اصول اخلاقی در بزرگسالی آماده میسازد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۸).

## ویس

بافتار و عامل شرم ایجادشده در شخصیت ویس، با بیشترین نمود، شامل شرمی است که بالاترین زمینه‌ساز آن، احساس حقارت، غم و خشم برگرفته از بیوفایی و نامهربانی رامین (ازدواج با گل) است. این احساس بطور مستقیم با عشق ویس به رامین در ارتباط است. از آنجاکه ویس، هدف وصال به معشوق را دنبال نموده، عامل ناکامی در آن، موجب شکل‌گیری احساس شرم شده است. در میان انواع شرم ایجادشده در ویس، مواردی نیز شرم در معنای حیا و ناز عاشقانه و بازخورد ناشی از ابراز علاقه رامین بچشم میخورد که در بیت زیر به آن اشاره شده است.

«چو بشنید این سخن ویس پری‌زاد / به شرم و ناز و کشی پاسخش داد» (ویس و رامین: ص ۱۱۸)

ترس از رسوایی عشق ممنوع و پایبندی به آن نیز موجب پدید آمدن حس شرم در ویس شده که شامل خجالت و شرم عرفی در برابر موبد و مردم است. هرچه از ابتدای داستان فراتر می‌رویم، این شرم رفته‌رفته رنگ میبازد. در راستای این رفتار دوگانه ویس و تغییر حس از شرم و پروا به بی‌شرمی و بی‌پروایی، با نگاهی به یافته‌های فمینیست‌های روانکاو درمیابیم که عواطف اصیل (عشق، هوس، شادی، اندوه، امید و ناامیدی، ترس و خشم) در تضاد با عواطف کاذب (احساس گناه، تشویش، افسردگی، تلخکامی، سرخوردگی و تسلیم) قرار دارند. عواطف اصیل، زنان را به عمل برمی‌انگیزد و عواطف کاذب، موجب انفعال و محروم شدن زنان میشود (درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، تانگ: ص ۱۷۸).

زمانی که ویس از عاطفه امید سرشار میشود، این عاطفه اصیل او را به عمل برمی‌انگیزد. اما پیش از حضور پررنگ امید، عواطف کاذب ویس موجب انفعال و انزوای شرم‌گونه او بر اثر احساس گناه و تسلیم شده بود. اینجاست که ویس خطاب به رامین میگوید:

«من و تو روز در شادی گذاریم / ز فردا هیچگونه یاد ناریم» (ویس و رامین: ص ۱۳۶)

#### بافتار و رویکردهای شرم وابسته به ویس

ویس در مواجهه با احساس شرم، از انواع سازوکارهای دفاعی استفاده میکند و احساس شرم او منجر به همراهی دیگر احساسات وابسته به آن میگردد.

در ابتدای داستان، شخصیتی که از ویس به تصویر کشیده شده، پرهیزگار و شرمگین است اما «شرم ممکن است ما را به انجام کاری درجهت کاهش رنجمان مجبور کند. ولی اغلب این کارها سیستم خودتخریبی دارند. انزوا، پرخوری یا ایجاد روابط جنسی نامشروع میتوانند از جمله روشهایی باشند که از طریق آنها بخواهیم حس شرم را سرکوب کنیم. ولی این کارها موجب تداوم بیشتر این حس میشود» (رفتاردرمانی عقلانی - هیجانی، دریلینگ: ص ۱۳۵).

ویس خود به این امر معترف است و خطاب به رامین میگوید:

«تن پاکیزه را آلوده کردم / وفا و شرم را نابوده کردم» (ویس و رامین: ص ۱۱۸)

و عامل این بی‌شرمی را سه مورد ذکر میکند: بخت، دایه، دیو

(الف) سازوکار دفاعی دلیل‌تراشی و فراق‌کنی

بخت: نقش قضا و قدر و سرنوشت را در جای جای این منظومه میتوان مشاهده نمود که برگرفته از باورهای دین زرتشتی و ایران باستان است. «فلسفه دین زرتشت، براساس نجوم و تکون دنیاست و جبری میباشد» (هدایت، ۱۳۲۴، به نقل از روشن در مقدمه ویس و رامین: ص ۳۹۴).

دختری پیش از زاده شدن، به سرنوشتی از پیش طراحی‌شده توسط مادر و موبد، گام نهاده و از دیگر سو در میانه راه، عشقی پا به عرصه مینهد که در پنجه استبداد کور موبد، زندانی است و راهکار رهایی از آن، به بی‌شرمی می‌انجامد. بنابراین عامل بخت و اختیار عناصر داستان، هر دو، در کارند. ریشه‌یابی بافتار این بی‌شرمی، ما را به این نکته رهنمون میسازد که «در اوستا، پاکدامنی و عفت زنان ستوده شده است. در گاتها، هدف عمده تشکیل خانواده، براساس عشق و محبت طرفین استوار است.» (خلاصه سخنرانی، کاوسی کاتراک: ص ۱۹)

دو اصل «آزادی» و «نظام مردسالاری» در ایجاد زمینه‌های شرم و بی‌شرمی این منظومه، نقش اساسی دارند که میتوان بر همین مبنا از نگره‌های فمینیستی «لیبرال» و «رادیکال» بهره برد.

دایه: دومین عاملی است که ویس در سازوکار دلیتراشی خود، آن را برمی‌شمارد.

«مرا دایه درین رسوایی افکند / به نیرنگ و به داستان و به سوگند» (ویس و رامین: ص ۱۱۸)

دیو: پس از رنجش ویس از بیوفایی رامین، در کشاکش شرم‌زدگی، بحث «دیو» از سوی ویس مطرح می‌شود. دکتر شمیسا در فرهنگ / اشارات، ذیل واژه دیو، آن را به معنی شیطان نیز بکار برده است (فرهنگ اشارات، شمیسا، ج ۱: صص: ۵۲۱-۵۲۴)

ب) سازوکار دفاعی سرکش شدن: روشی است که ویس، در ابتدای از هم گسستن رشته‌های شرم و رها شدن در دام عاشقی، از آن استفاده کرد.

ج) سازوکار دفاعی کناره‌جویی: پس از ازدواج رامین با گل، ویس به درگاه خداوند اقرار به گناه می‌کند که گویای شرمی سالم است. زیرا به احساس مسئولیت و تأمل انجامیده است. پس از آن می‌گوید اگر رامین پشیمان بشود من نیز بدعهد می‌شوم و اینگونه است که رفتاری تلافی‌جویانه در پی می‌گیرد.

د) سازوکار دفاعی سرزنش دیگران: این سازوکار بویژه در ده نامه ویس، نمود بارزی دارد. این نامه‌ها در جهت ایجاد احساس گناه در رامین، مؤثر بودند. نامه به این ترتیب آغاز می‌شود:

«ز یاری نیک پرمهر وفاجوی / به یاری شوخ و بی‌شرم و جفاجوی ...

مرا در دام رسوایی فگندی / کنون در چاه تنهایی فگندی» (ویس و رامین: ص ۲۶۱)

این سازوکار ناشی از احساس حقارت است. این امر در پی ناکامی ویس رخ داده که طی آن رامین را بی‌انصاف و غیرمسئول میدانند. پیرو همین مطلب می‌بینیم که ویس خطاب به رامین می‌گوید:

«بدان سر مر تو را طرار دیدم / بدین سر مر تو را غدار دیدم ...

تو همچو سندسی گردان به هر رنگ / و یا همچون زری گردان به هر چنگ

نگر تا چند کار بد بکردی / که آب خویش و آب من ببردی» (همانجا)

طبق این سازوکار، ویس میکوشد آن جایگاه را بی‌ارزش جلوه دهد. ویس که از دو منبع احساس شرم دریافت می‌کند (خیانت به موبد، سردی رفتار رامین)، شرم خود را تبدیل به سرزنش کرده است.

ه) سازوکار دفاعی جابجایی: زمانی که رامین از ازدواج با گل پشیمان می‌شود و به مرو نزد ویس بازمی‌گردد، ویس با همه اشتیاقی که به رامین در دل دارد، بجای سخن گفتن مستقیم با رامین، رخس را مورد خطاب قرار می‌دهد و گلایه‌ها می‌کند. در سازوکار دفاعی جابجایی، فرد «گاهی با حمله کردن به افراد بیگناه، خود را از فشار و تنشهای احساسی نامطلوب رهایی می‌بخشد» (زمینه روانشناسی، پارسا: ص ۲۴۴).

و) سازوکار دفاعی قطع رابطه: ویس که از جایگزینی گل بجای خودش، احساس حقارت کرده، هنگام بازگشت رامین به مرو، با او سخن نمی‌گوید. این سخن نگفتن حاکی از اقدام دفاعی ویس در مقابل شرمیست که متوجه درون او شده و از طریق قطع رابطه به نوعی سنگر دفاعی دست یازیده است. (وقتی شرم بیمار می‌کند، براد شاو: صص ۲۴-۲۵).

احساساتی که تجربه شرم ویس را همراهی می‌کنند، شامل این موارد هستند:

افسردگی: پس از ازدواج رامین با گل، رفته‌رفته نشانه‌های افسردگی که از پیامدهای شرمساری است بچشم می‌خورد و گلایه‌های ویس را با اختلال خلقی احساس گناه و بی‌ارزشی میتوان تطبیق داد (ویس و رامین: ص ۲۵۰). «افراد افسرده شکایات بسیار درباره از دست دادن عشق و محبت، اشیای مادی، پول و حیثیت دارند که

ممکن است ناشی از احساس بی‌کفایتی و ناشایستگی باشد» (آسیب‌شناسی روانی، آزاد: ص ۳۲۶). و این همان رفتاری است که ویس در پیش گرفته است. برای نمونه به این بیت بنگرید:

«بردم خویشتن را آب و سایه / چو گم کردم ز بهر سود مایه» (ویس و رامین: ص ۲۵۲)

که در این بیت، ویس با اشاره به اصطلاح «آب و سایه» اظهار میدارد که هم جسم و هم روانش را از دست داده است.

ناامیدی:

«چه دارم زان همه زنهارداری / مگر بدنامی و نومیدواری» (همان: ص ۳۱۵)

در ادامه روند رنجش ویس از بیوفایی رامین، واژه «نومیدواری» در کنار «بدنامی» که از پیامدهای بی‌شرمی است، قرار گرفته است.

ترس: در همین بخش از داستان و در بیت بالا، «زنهارداری» شرم تبدیل شده به ترس و رنج است. شاعر با ایجاز هنرمندانه‌ای انواع شرم را در یک بیت برشمرده است. همچنین میتوان به بیت زیر اشاره نمود که حالات ترس و ناامیدی دربرگیرنده حس شرم، در آن پدیدار است:

«بس است آن بیم و آن سختی که دیدم / و زو صد ره امید از جان بریدم» (همانجا)

خشم و عصبیت: هنگامی که ویس از گفتگو با رامین، روی گردان میشود و از واکنش قطع رابطه استفاده میکند، در خلال ابیات، پرخاش جلوه‌گر است (ویس و رامین: ص ۳۱۰).

در ادامه این بخش از داستان، آن هنگام که ویس قصد دارد رامین را از مرو برگرداند، طی دو بیت، چهار بار از واژه «زنهار» استفاده میکند:

«بسا روزا که از تو بار جستم / چو زنهاری ز تو زنهار جستم

نه بر درگاه خویشم بار دادی / نه با زنهاریان زنهار دادی» (ویس و رامین: ص ۳۱۸)

این خشم و عصبیتی که در گفتگوی ویس و رامین در جریان است، بروز حس شرم است. افرون، درمورد خشم و رابطه آن با شرم اشاره میکند که خشم نوعی پاسخ به شرم است (علل و پیشگیری و درمان شرم، افرون: ص ۱۸).

## رامین

بالاترین بسامد شرمی که رامین تجربه کرده در رابطه با پیمان شکنی و بیوفایی نسبت به ویس است. این رفتار، انتقامجویی ویس و از خود راندن رامین را توسط او در پی داشته که پشیمانی از جور و جفا را در وجود رامین، رقم زده است. در انتهای داستان نیز اندیشه اعمال نادرست گذشته، در برابر پروردگار موجب شرمی شده که بیانگر پویایی ماهیت این شرم در رامین است. حرکتی از نقطه شخصیت غیرمسئول بسوی شخصیت رشدیافته که حاکی از فرایند تحول شرمی زیانبار به شرمی سودمند است.

## بافتار و رویکردهای شرم وابسته به رامین

الف) سازوکار دفاعی انکار: در راستای پیمان بستن ویس و رامین، شاهد اندیشه رامین مبنی بر وفادار بودن هستیم. رامین خطاب به ویس میگوید:

«وفا کشتم مرا شادی برآورد / مه تابان به مهرم سر درآورد» (ویس و رامین: ۱۸۶)

در اینجا باید به اصل انکار که اولین نوع از انواع دفاع در برابر شرم محسوب میشود اشاره کنیم.



کسی که انکار میکند از شرم خود بی اطلاع میماند. او خود را فریب میدهد که هیچگونه احساس شرمی ندارد. این افراد نمیتوانند با احساس شرم خود مواجه بشوند، بنابراین خود را متقاعد میکنند که مشکلی وجود ندارد (علل و پیشگیری و درمان شرم، افرون: صص ۴۴-۴۵). همچون شخصیت رامین که در سرتاسر داستان، به انکار میکوشد. از دیدگاهی دیگر نیز میتوان عملکرد رامین را تفسیر کرد. از آنجاکه «احساس گناه میتواند موجب احساس مسئولیت در ما شود» (رفتاردرمانی عقلانی - هیجانی، دریلینگ: ص ۶۰). این عدم احساس مسئولیت در قبال خیانت به موبد ازسوی رامین، میتواند مرتبط با اختلال شخصیت ضداجتماع باشد. «اگر شخصی مسئولیت اشتباهات گذشته‌اش را برعهده نگیرد، میتوانیم او را شخص هنجارشکن بنامیم» (همان: ص ۵۷)

ب) سازوکار دفاعی کناره‌جویی: اولین نامه‌ای که رامین پس از ازدواج با گل، برای ویس مینویسد حاوی ابراز پشیمانی اوست از روزگاری که با ویس بسر برده است. در این بخش با سازوکار کناره‌جویی روبرو هستیم. شیوه‌ای که طی آن، از درگیر شدن با شرایطی که بیانگر ناتوانی و شکست است، پرهیز میکنیم. در این حالت فرد تلاش میکند «از راه کناره‌جویی بر ضعف خود سرپوش بگذارد» (زمینه روانشناسی، پارسا: ص ۲۴۲). رامین در فرایند ازدواج با گل، از وسیله دفاعی کناره‌جویی استفاده کرد تا احساس حقارت و ضعف ناشی از شرمندگی درونی خود بدلیل عدم وصال به معشوق را تسلی ببخشد. واژه «ملامت» که در این بخش از منظومه در حال تکرار شدن است نیز به همین احساس شرمندگی درونی بازمیگردد.

«کمان ورگشته هرکس در زمانه / ملامت تیر و جان من نشانه

مرا خود بود داغ عشق بر بر / چه بایستم ملامت نیز بر سر» (ویس و رامین: ص ۲۴۷)

ولی پس از چندی که از ازدواج با گل پشیمان میشود، رامین در دیداری که با ویس دارد و در کشاکش خشم و رنجش ویس، اغلب نشانه‌های جسمی و روحی شرمساری را طی این ابیات برمیشمارد:

«من آن زشتی که دانستم بکردم / دوباره آب خود پیشت ببردم

کنونم نیست با تو چشم دیدار / زبان را نیست با تو رای گفتار

دلَم از شرم تو مستت گویی / زبانم را گره بستت گویی

نه در پوزش سخن گفتن توانم / نه بی تو ره به کار خویش دانم

بماندستم کنون بی‌چار و بی‌یار / دل از صبر و تن از آرام بیزار

زبان از شرم تو خاموش گشته / روان از مهر تو بی‌هوش گشته» (ویس و رامین: ص ۳۴۸)

همانگونه که در بیت‌های بالا ملاحظه میگردد، واکنش طبیعی افراد به شرم که همان کناره‌گیری و مخفی نگه داشتن است، بگونه‌ای دیگر ترسیم شده است.

ج) سازوکار دفاعی دلیل‌تراشی و فرافکنی: این گزینه از پربسامدترین سازوکارهای دفاعی مورد استفاده رامین است که آن را به عواملی همچون انواع دیوها (دیو هجران، دیو آز)، بخت و جبر و سرنوشت و ممکن الخطا بودن انسان، نسبت میدهد.

دیو: رامین در پاسخ به نامه ویس، طی ۹ بیت، ۵ مرتبه از واژه «گناه» استفاده میکند و دیو هجران را مسبب گناهان معرفی میکند. ضمن اینکه، با فرافکنی در حال سلب مسئولیت از خود و مقصر جلوه دادن ویس است.

«اگر چه این گناه از بن مرا نیست / گنه بر تو نهادن هم روا نیست

ستنبه دیو هجران را تو خواندی / بدان گاهی که از پیشم براندی» (ویس و رامین: ص ۳۰۴)

بخت: در مرحله بعد که به دیدار ویس می‌رود، ویس بجای سخن گفتن با او، رخس را خطاب قرار می‌دهد. واکنش رامین دست یازیدن به عنصر بخت و دیو است، اما این بار با اندکی احساس گناه. هرچند که همچنان عامل فرافکنی و دلیل تراشی بر آن سایه افکنده است.

«به جز من در میان کس را گنه نیست / که بخت کس چون من سیه نیست ...»

کسی که دیو را باشد به فرمان / به دل چون من بود کور و پشیمان» (همان: ص ۳۱۲)

این ابیات حاکی از نشانه‌های شرم مسموم است که اجازه پذیرش صحیح احساس گناه و سازندگی ناشی از آن را به فرد نمی‌دهد.

آز: رامین در ادامه گفتگوهای خود، عامل گنهکاری خود را «آز» عنوان می‌کند.

«همی تا آز باشد بر جهان چیر / نگردد جان مردم از گنه سیر

گنه کرد آدم اندر پاک مینو / هر آینه منم از گوهر او» (همان: ص ۳۱۹)

همانگونه که در فرهنگ/اشارات ذیل واژه آز آمده است، آز، دیو حرص و طمع است و سیری‌ناپذیری مشخصه آن است (فرهنگ اشارات، شمیسا: صص ۳۸-۳۹).

ممکن‌الخطا بودن انسان: در بیت بالا به سیری‌ناپذیری جان مردم از گناه اشاره می‌کند و همچنین اصل خطا کار آفریده شدن انسان را نیز یادآور است که این حس ممکن‌الخطا بودن آدمی و محدود بودن انسان، از انواع شرم طبیعی محسوب می‌شود. به این معنا که بعنوان انسان، قادر نیستیم بی‌نقص باشیم.

«سیه سر را گنه بر سر نبشتست / گنهکاریش در گوهر سرشتست» (ویس و رامین: ص ۳۱۹)

جبر: که به اصل بخت و جبر و سرنوشت نیز اشاره می‌کند. رامین در بیت زیر تداعی‌گر قصه شیر و نخچیران مولاناست.

«نه دانش روی برتابد قضا را / نه مردی دست برپیچد بلا را» (همانجا)

گویی شاعر نیز در امر دلیل تراشی به یاری رامین آمده و در گزینش واژگان سعی در تبریته نمودن رامین دارد تا دل ویس را بکف آرد. در ادامه طلب بخشایش رامین از ویس، از واژه «زلت» بجای «گناه» استفاده شده است.

«اگر زلت نبودی کهتران را / نبودی عفو کردن مهتران را» (همان: ص ۳۲۰)

زلت در معنای «لغزش پای در گل» و «گناه و خطای بی‌اراده» است. در اینجا ضمن استفاده از سازوکار دلیل تراشی و همچنین حسن تعلیل شاعرانه، به شرم طبیعی نیز گریزی زده است. اما واکنش هوشمندانه ویس، قابل تأمل است. او در پی دلیل تراشیهای پیاپی رامین، درصدد برشمردن جزء به جزء خطاهاست. این در حالی است که روند گفتگوی آنها پیش از این، بیان کلیات بود. میتوان نتیجه گرفت که ویس قصد دارد احساس گناه سودمند و پذیرش مسئولیت خطا را در رامین بیدار سازد.

د) سازوکار دفاعی سرکش شدن: در آخرین مرحله داستان، رامین در مقابل اندوه ویس در هجران، برای مقابله با شرم حاصل از آن، از روش سرکش شدن استفاده می‌کند.

«من اندر دام و یارم نیز در دام / نهاده دل به درد و رنج ناکام

چرا این دام را بر هم ندرم / درخت ننگ را از هم نبرم» (همان: ص ۳۶۴)

**احساسی که تجربه شرم رامین را همراهی میکند:**

پشیمانی: گسترده‌ترین احساسی که تجربه شرم رامین را همراهی میکند، احساس پشیمانی است. او که در ابتدای ازدواج با گل، بر اثر شرم ناکامی از وصال ویس، از علاقه خود به ویس ابراز پشیمانی می‌کند، پس از

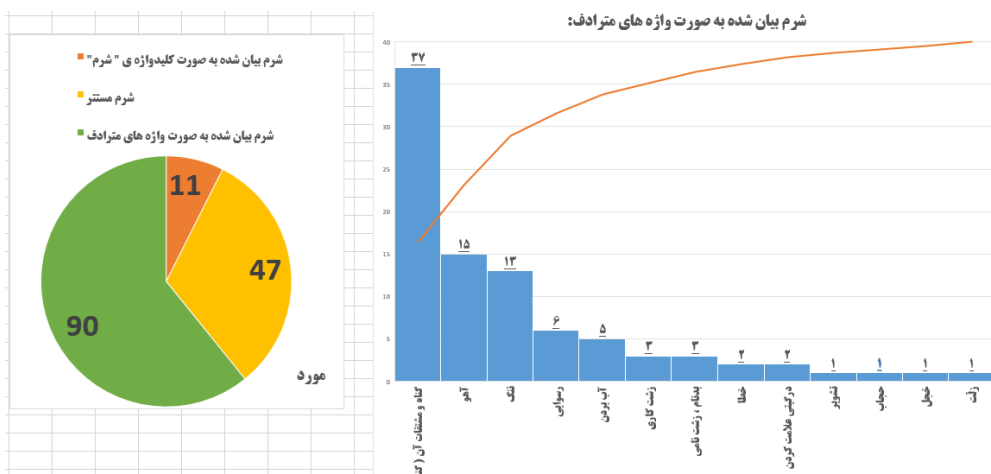
چندی، از بیوفایی در حق معشوق، احساس گناه را تجربه میکند که حس پشیمانی را در پی دارد. این حس را در سطحی دیگر از سوی رامین میبینیم. در بخش پایانی منظومه، آخرین ابیاتی که شاعر در وصف رامین بازگو میکند، با تکرار واژه‌های گناه، پوزش، پشیمانی و آمرزش همراه است (ویس و رامین: ص ۳۸۱) که بیانگر روند سازنده و اصلاح‌گرایانه شرمی برخاسته از دل داستان است. شرمی که پس از گذراندن تلاطم انواع کشاکشها، موجب آفرینش دوباره شخصیتی پخته، بر اثر پویای پیرنگ داستان و درنهایت شاعر از جان رامین، با واژه «پاک‌شسته» یاد میکند.

«به یزدان داد جان پاک‌شسته / ز دست دشمن بسیار رسته» (همان: ص ۳۸۱)

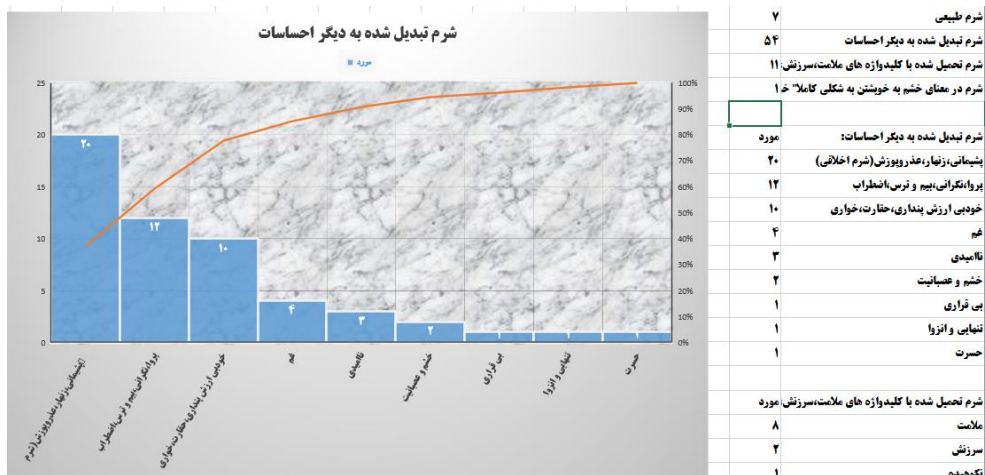
شاعر با بهره‌مندی از آرایه استفاده در این واژه، هرآنچه شرم و بی‌شرمی در رامین را از بین برده است. عامل قدرتمند پشیمانی در شخصیت رامین، توانسته احساس گناه را به حسی مثبت و سالم مبدل سازد.

### تحلیل آماری

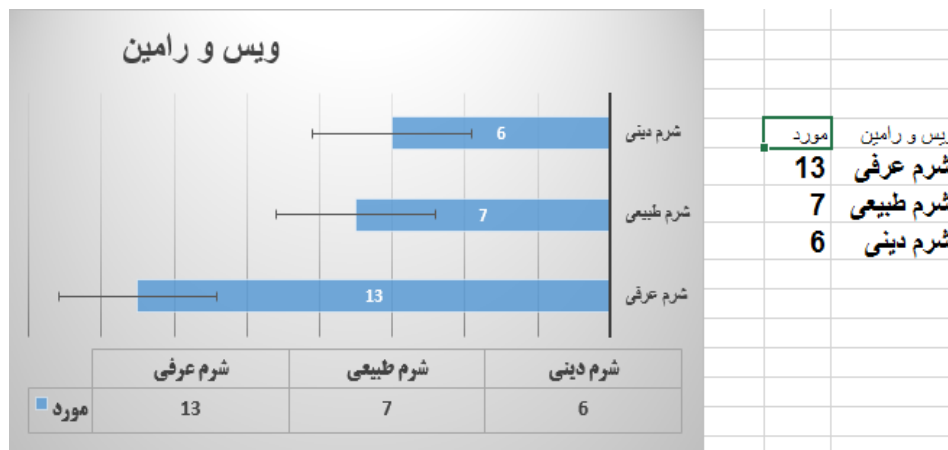
فراوانی شرم بیان‌شده بصورت واژه‌های مترادف، نسبت به سایر گونه‌های ابراز آن بیشتر است. در این بخش، اصطلاح گناه و مشتقات آن دارای بیشترین بسامد است که این امر گویای عملکرد گناه‌آلود ویس و رامین است. کلیدواژه شرم دارای کمترین بسامد است که میزان اندک شرم در منظومه از آن مشهود است.

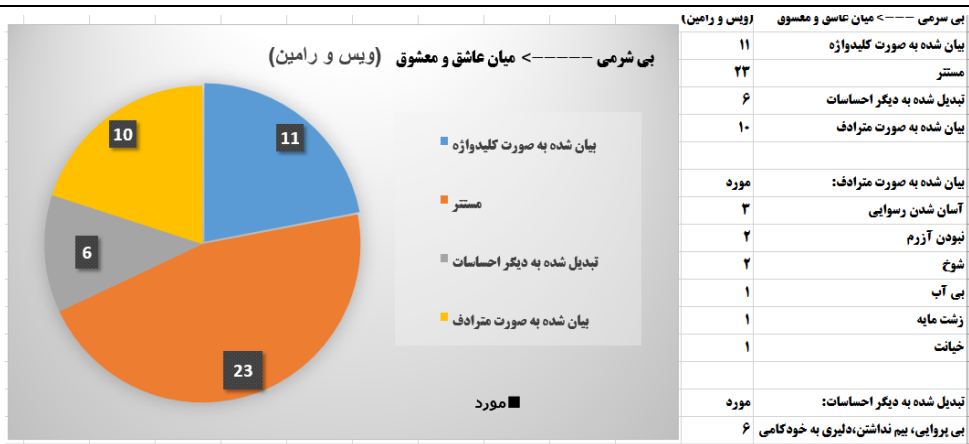


با توجه به داده‌های خام آماری، بیشترین فراوانی در حس پشیمانی نمود پیدا کرده است و حسرت کمترین نمود را داراست.



از میان انواع شرم عرفی، دینی و طبیعی، بیشترین فراوانی در شرم عرفی مشهود است که برخاسته از شرم در مقابل دیدگاه اطرافیان است.





بیشترین نحوه نمود بی‌شرمی، بصورت مستتر بروز یافته و چنانچه به احساس دیگری تبدیل شده، در قالب احساس بی‌پروایی و دلیری به خودکامی نمود پیدا کرده است.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بازنمایی مفهوم شرم در شخصیت ویس و رامین، نگاشته شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد ویس و رامین، دو مفهوم شرم و بی‌شرمی را همزمان تجربه می‌کنند. ویس، شخصیتی همواره شرمگین دارد و حتی عملکردهای بی‌شرمانه او نیز واکنشی وارونه به شرمی است که در ژرفای جان او رخنه کرده است. او که در ابتدا با عوامل ایجادکننده حس شرم، بشکل سالم مقابله می‌کند، پس از ناکامی، به شیوه‌ای ناسالم جهت مقابله با شرم خود، اقدام به سرکشی و طغیان می‌کند. در کنار این شیوه به وسیله‌های دفاعی دیگری نیز دست می‌یازد. رامین شخصیتی هنجارشکن است که جز در برهه‌ای از زمان و در برابر ویس (بیوفایی به معشوق)، شرم چشمگیری را تجربه نمی‌کند و در برابر دیگران، آنچه گهگاه رخ می‌دهد، ترس از طرد شدن است و برتری فراوانی شرم عرفی نیز مشهود است. هرچند این امر در مقابل شخصیت غیرمتعهد رامین، چندان قدرت بازدارنده‌ای ندارد. این فقدان حس مسئولیت، با بیوفایی و پیمان شکنی او نسبت به ویس، به شکلی دیگر ترسیم می‌شود که در نتیجه آن، دو احساس پشیمانی و حقارت در سطح گسترده‌ای میان هر دو شخصیت، پدیدار می‌گردد. این همان معنای اصلی احساس گناه مثبت است و امری سازنده بشمار می‌رود. دلیل تراشی، کناره‌جویی و سرکشی از سازوکارهای دفاعی مشترک میان ویس و رامین است؛ با این تفاوت که رامین از سازوکار دفاعی دلیل تراشی بشکل چشمگیری بهره می‌برد. این امر نشان‌دهنده گریز از حقیقت شرم و درک نکردن معنای واقعی آن از سوی رامین است. تا آن زمان که پشیمانی و احساس مسئولیت ناشی از آن را با کلیدواژه‌هایی همچون پشیمانی، پوزش، عذر و... ابراز می‌دارد و به شخصیتی رشدیافته تبدیل می‌شود. درحالی‌که احساسات غم و افسردگی و... شرم ویس را همراهی می‌کنند، این موارد در شخصیت رامین نمود چندانی ندارند. یکی دیگر از سرچشمه‌های شرم در ویس، بیوفایی رامین و ازدواج او با گل است که بصورت شرم تبدیل شده به احساس حقارت بروز می‌یابد. از آنجاکه شرم ویس، اغلب تأمل و تفکر و احساس مسئولیت در پی دارد، به احساسی سازنده و پیش‌برنده منجر شده که از جنبه انفعالی و انزواگونه شرم، پیشی گرفته است. این در حالیست که

شخصیت رامین در آخرین بخش داستان به این مرحله می‌رسد. در نهایت این پژوهش، امکان این پرسش را فراهم می‌آورد که چه تحلیلهایی برای شرم دیگر شخصیت‌های داستان می‌توان ارائه نمود.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین استخراج شده است. آقای دکتر محمدعلی شفائی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم فائزه افتخاری روزبهانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر معصومه خدادادی مه‌باد و مجتبی انصاری شهیدی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCE

- Afrashi, Azita, and Moghimi Zadeh, Mohammad Mehdi. (2014). Conceptual metaphors in the field of shame based on evidence from classical Persian poetry. *Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies*, (2) 5, pp. 1-20.
- Azad, Hussein. (1995). *Psychopathology*. Second Edition, Tehran: Be'sat, p.326.
- Brad Shaw, John. (2012). *When shame makes you sick*. Translated by Hossein Ghasemkhani. Tehran: Raz Nahan, p. 73, 24-25.
- Craven, M. P., & Fekete, E. M. (2019). Weight-related shame and guilt, intuitive eating, and binge eating in female college students. *Eating behaviors*, No.33, pp. 44-48.
- Donohue, M. R., & Tully, E. C. (2019). Reparative prosocial behaviors alleviate children's guilt. *Developmental psychology*.

- Drilling, Eileen, Hafner, e. Jack, and Sheehan, Tim. (2014). Rational-emotional behavior therapy. Translated by Mojtaba Dashti and Salmi Dashti. Tehran: Liosa, p. 60, 93, 135.
- Efron, Ronald T. Potter, and Afron, Patricia Potter. (2013). Causes and prevention and treatment of shame. Translated by Mohammad Nawabi. Tehran: Ensan Bartar, pp. 18, 92, 44-54.
- Fakhreddin As'ad Gorgani. (1953). Weiss and Ramin. Corrected by Mohammad Jafar Mahjoub. Tehran: Andisheh.
- Fakhreddin As'ad Gorgani. (2016). Weiss and Ramin. Corrected by Mohammad Roshan. Sixth Edition, Tehran: Contemporary Voice.
- Kawasji Katrak, Jamshid, Summary of Farhad Abadani's lecture on civilization and culture of ancient Iran, Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Middleton Banana, Jane. (1994). Psychology of Shame and Sin. Translated by Shahla Arjang. Tehran: Alborz, p. 91.
- Parsa, Mohammad. (1998). Background Psychology. Fifteenth edition. Tehran: Be'sat, pp. 242-244.
- Schultz, Duane, and Schultz, Allen. (2018). Personality theories. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Virayesh.
- Shamisa, Sirus. (2008). Culture of allusions. Volume One, Second Edition, Tehran: Mitra, pp. 38-39, 521-524.
- Tong, Rosemary. (2008). A Comprehensive Introduction to Feminist Theories. Translated by Manijeh Najm Iraqi. Tehran: Ney, p. 178.
- Wang, L., Pan, H., & Zhang, H. (2020). The effect of emotional intensity of shame on children's prosocial behavior. *European Journal of Developmental Psychology*, 17(2), pp. 263-274.

#### فهرست منابع

- آسیب‌شناسی روانی، آزاد، حسین. (۱۳۷۴). چاپ دوم، تهران: بعثت.
- استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی، افراشی، آریتا، و مقیمی‌زاده، محمدمهدی. (۱۳۹۳). *زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، (۲) ۵، صص ۲۰-۱.
- درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، تانگ، رزمیری. (۱۳۸۷). ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نی.
- رفتاردرمانی عقلانی - هیجانی، دریلینگ، ایلین، هافنر، ای. جک، و شیپان، تیم. (۱۳۹۳). ترجمه مجتبی دشتی و سلمی دشتی. تهران: لیوسا.
- روانشناسی شرم و گناه، مدیلتون موز، جین. (۱۳۷۳). ترجمه شهلا ارژنگ. تهران: البرز.
- زمینه روانشناسی، پارسا، محمد. (۱۳۷۷). چاپ پانزدهم. تهران: بعثت.
- علل و پیشگیری و درمان شرم، افرون، رونالد تی. پاتر، و افرون، پاتریشیا پاتر. (۱۳۹۲). ترجمه محمد نوابی. تهران: انسان برتر.
- فرهنگ اشارات، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). جلد اول، چاپ دوم، تهران: میترا.
- کاوسجی کاتراک، جمشید، خلاصه سخنرانی فرهاد آبادانی، درباره تمدن و فرهنگ ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- نظریه‌های شخصیت، شولتز، دوآن، و شولتز، آلن. (۱۳۹۸). ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش. وقتی شرم بیمار میکند، براد شاو، جان. (۱۳۹۱). ترجمه حسین قاسمخانی. تهران: راز نهران. ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی. (۱۳۳۲). تصحیح محمدجعفر محبوب. تهران: اندیشه. ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی. (۱۳۹۵). تصحیح محمد روشن. چاپ ششم، تهران: صدای معاصر.
- Craven, M. P., & Fekete, E. M. (2019). Weight-related shame and guilt, intuitive eating, and binge eating in female college students. *Eating behaviors*, No.33, pp. 44-48.
- Donohue, M. R., & Tully, E. C. (2019). Reparative prosocial behaviors alleviate children's guilt. *Developmental psychology*.
- Wang, L., Pan, H., & Zhang, H. (2020). The effect of emotional intensity of shame on children's prosocial behavior. *European Journal of Developmental Psychology*, 17(2), pp. 263-274.

#### معرفی نویسندگان

- فائزه افتخاری روزبهانی:** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.  
(Email: [faezeh.eftekhari@gmail.com](mailto:faezeh.eftekhari@gmail.com))
- محمدعلی شفائی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.  
(Email: [draliaban@yahoo.com](mailto:draliaban@yahoo.com) : نویسنده مسئول)
- معصومه خدادادی مهاباد:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.  
(Email: [masome.khodadadi@gmail.com](mailto:masome.khodadadi@gmail.com))
- مجتبی انصاری شهیدی:** استادیار گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.  
(Email: [Dransarishahidi@gmail.com](mailto:Dransarishahidi@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

- Faezeh Eftekhari Roozbehani:** PhD student in Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.  
(Email: [faezeh.eftekhari@gmail.com](mailto:faezeh.eftekhari@gmail.com))
- Mohammad Ali Shafaei:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.  
(Email: [draliaban@yahoo.com](mailto:draliaban@yahoo.com) : Responsible author)
- Masoumeh Khodadadi Mahabad:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.  
(Email: [masome.khodadadi@gmail.com](mailto:masome.khodadadi@gmail.com))
- Mojtaba Ansari Shahidi:** Assistant Professor, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.  
(Email: [Dransarishahidi@gmail.com](mailto:Dransarishahidi@gmail.com))